

مساله ششم : مشارکت سیاسی و غیر سیاسی مردم در شریعت مطهر

مناسب بود که در کنار یا در ادامه مساله چهارم - که از جایگاه رای مردم و نهادهای پدید آمده از آرای ایشان صحبت میکرد- مساله فوق، مطرح می شد. لکن به هر حال در هر موضعی مطرح شود مجال گفتگوی واسع دارد .

نکات بحث

1. تقسیم مشارکت

نسبت به نهاد مشارکت مستقیم و غیر مستقیم مردم در حکومت و اداره جامعه بحث های فراوانی وجود دارد.

در یک تقسیم عام این مشارکت به «مشارکت سیاسی» و «غیر سیاسی» تقسیم می شود. جالب این که ادبیات باحثان، در فقه سیاسی بیشتر بر محور مشارکت سیاسی می چرخد، با این که سایر مشارکت ها به ویژه مشارکت اقتصادی نیز باید مطرح نظر - حتی در فقه سیاسی - قرار گیرد.

2. دوگانه مشارکت مردم و تکلیف حکومت

مشارکت با همه اقسام آن، وقتی مطرح می شود، گفتگو از حدود اختیارات و تکلیف حکومت، هم به صحنه می آید. در واقع مشارکت مردم نوعی محدود اختیار دولت ها است. به این نکته نیز باید توجه کرد که گفتگوی فقهی گاه از حدود شرعی اختیار مردم در اداره حکومت و جامعه و گاه از وظیفه حاکمیت برای ایجاد بستر این مشارکت است. (حدود اختیار مردم و حدود وظیفه حاکمیت برای ایجاد و اعمال این اختیار).

3. مباحث مشارکت سیاسی و مسائل فقهی - استنباطی در اطراف مشارکت سیاسی و غیر سیاسی

3-1. مشارکت سیاسی

در اطراف این نهاد مباحثی مطرح است، از این قبیل :

- تعاریف موجود یا ممکن از مشارکت سیاسی
- عوامل موثر در مشارکت سیاسی
- اشکال ، قالب ها و مصادیق مشارکت سیاسی
- تقسیمات مطرح در مشارکت سیاسی غیر از قالب های آن
- مشارکت سیاسی در قانون اساسی
- پرسشها و مسائل فقهی مشارکت سیاسی

طبیعی است که گفتگوی ما پرداختن به مسائل اخیر - آن هم با اختصار و استفاده از مبانی شرعی و فقهی مورد اشاره در مساله چهارم - است. با این همه در حد ضرور اشاره به تعیینات ما قبل آخر نیز داریم، بدین ترتیب:

- تعاریف متعددی از مشارکت سیاسی از سوی باحثانی چون هانتینگتون ، پای و دیگران ارائه شده که به دلیل وضوح نسبی معرّف شاید بتوان گفت: این تعاریف هر کدام ناظر به جهتی از مشارکت سیاسی است، بدون این که حکایت از اختلاف واقعی در معرف نماید.

از مجموع تعابیر می توان گفت (تعریف از طریق عناصر شماری) :

- مشارکت سیاسی از سنخ رفتار و اقدام افراد ذیل یک واحد سیاسی محسوب می شود.
- به طور معمول محدود به شهروندان یک کشور خواهد بود و شامل غیر شهروندان نمی شود.
- این مشارکت در راستای اثرگذاری بر سطح کلان - و نه خرد اداره - جامعه است و در ابعاد سیاسی و مناسبات قدرت تعریف می شود.
- مشارکت سیاسی اقدامی هدفمند است ، هر چند ممکن است همه کنشگران مشارک نسبت به هدف آگاهی نداشته باشند .
- عوامل موثر در مشارکت سیاسی به شدت تابع ظرفیت های جامعه شرکت کننده است. پایگاه اجتماعی ، اقتصادی، نژاد و قومیت ، ساختار سیاسی ، مذهب ، ارزشهای ملی و غیر ملی ، رسانه ها از جمله عوامل موثر بر این نهاد سیاسی است.
- مشارکت سیاسی در قالب ها و مصادیقی خود را نشان می دهد.
- داشتن پست سیاسی و اجرایی
- تشکیل احزاب و عضویت در یک سازمان سیاسی یا شبه سیاسی ،
- اعتراض ، تظاهرات و شرکت در تجمعات سیاسی
- رای دادن
- حضور در صحنه های رای گیری
- و

از جلوه های مشارکت سیاسی است.

با این توضیح معلوم گردید که شرکت مردم در صحنه های انتخابات مصداقی از مشارکت سیاسی است و عین آن نیست. (نسبت عام و خاص مطلق).

- مشارکت اثباتی و ایجابی و مشارکت سلبی یکی از تقسیمات کلان این نهاد است.
- اصولی از قانون اساسی به این نهاد پرداخته است، از قبیل: اصل 26، 27، 59، 62، 90 و 114 محلی برای بیان این جلوه سیاسی است .

در اصل 26 چنین می خوانیم:

احزاب ، جمعیت ها ، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده [؟] آزادند مشروط به این که اصول استقلال ، آزادی ، وحدت ملی ، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آن ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن ها مجبور ساخت.

- مسائل و پرسشهای فقهی و استنباطی در اطراف مشارکت نیز به قرار ذیل است: